

سوژه

نفت مسجد سلیمان
شخصیت فوتبالی
نداشت

کریم شریفی پیشکسوت فوتبال خوزستان درباره عملکرد تیم‌های این استان در لیگ برتر می‌گوید: «فولاد خوزستان با آن همه هزینه و تیم کهنشانی هیچ گلی برسر فوتبال خوزستان نزد و فقط ریخت و پاش کرد. تیم فولاد در این فصل هرگز خوب مدیریت نشد و امیدوارم مدیریت جدید بخوبی شرایط را مدیریت کند. فولادی که تمام امکانات لازم را در فوتبال ایران دارد و حتی در آسیا نیز هیچ تیمی امکانات آن را ندارد، اگر بدرستی مدیریت شود و یک کمیته قوی و فوتبالی از بزرگان فوتبال استان داشته باشد می‌تواند صادرکننده بازیکن و هرساله مدعی اصلی قهرمانی باشد. استقلال خوزستان با پورموسوی لیگ برتری شد، مربی که با دانش، اخلاق مدار، باتجربه و دلسوز فوتبال خوزستان است. او پرچمدار واقعی فوتبال خوزستان در لیگ یک بود و از حیثیت فوتبال خوزستان دفاع کرد.» او با اشاره به عملکرد عبدالله ویسی این‌طور می‌گوید: «کمتر کسی فکر می‌کرد نفت در لیگ برتر ماندنی شود ولی با هدایت عبدالله ویسی و بازیکنان نفت و مدیریت خوب رضاییان و هواداران نفت این تیم در لیگ برتر ماندنی شد که جای تقدیر دارد. امیدوارم عبدالله ویسی در نفت ماندنی شود و اگر بماند مطمئناً می‌تواند کارهای خوبی در این تیم انجام دهد.» اما دلیل سقوط مسجد سلیمان از نظر شریفی: «این تیم هرگز شخصیت یک تیم فوتبالی را نداشت و هر کسی از راه می‌رسید برای تیم تعیین تکلیف می‌کرد. همین حواشی و مدیریت ضعیف این تیم را به لیگ یک هدایت کرد. ضمن اینکه نفت در بخش مالی نیز با مشکل روبه‌رو بود و هرگز از سوی مسئولان حمایت نشد. این تیم را رها کرده بودند، در حالی که تنها داخوشی مردم مسجد سلیمان همین تیم نفت بود که سقوط کرد.»

قرارداد ۲ دروازه‌بان
تراکتور

تراکتور فصل بیست و دوم لیگ برتر را با ۵۲ امتیاز در رده چهارم جدول به پایان رساند. بعد از چند فصل که امنیت کاری سرمربی حسن تاونست اعتماد مدیران و هواداران تراکتور را بخوبی جلب کند. طبیعتاً مربی اسپانیایی قصد دارد که تیم خود را تقویت کند و هر بار گمانه‌زنی‌ها درباره لیست ورودی و خروجی این تیم شنیده می‌شود. با این حال آنچه که در این باره مشخص و روشن است قرارداد همکاری محمدرضا اخباری و احسان مرادیان دو دروازه‌بان فعلی تراکتور به پایان رسیده است. قطعاً کیفیت عملکرد دروازه‌بان برای تیمی مانند تراکتور که فصل آینده قصد دارد برای رده‌های بالای جدول بجنگد، تأثیر زیادی دارد. اگر چه پیش از این تصور می‌شد مرادیان به دلیل انتقالش در نیم فصل مدت قرارداد بیشتری با تیم تبریزی داشته باشد، اما قرارداد وی تا پایان فصل بیست و دوم لیگ برتر بوده است. با توجه به اینکه هنوز تکلیف بسیاری از تیم‌های لیگ برتری روشن نیست فعلاً صحبت درباره آینده این دو دروازه‌بان رود است. قطعاً مرادیان قصد دارد همانند دوران فولاد فرصت بازی بیشتری داشته باشد و در انتخاب تیم جدید خود به این معیار بیشتر توجه می‌کند.

اگر طالب بازی‌های زیبا هستید، به سمت ذوب‌آهن نروید
سلاطین «انفعال»

شده چگونه بوده، با توضیحات فوق بخوبی ترسیم شد اما اینکه این تیم می‌خواهد در آینده چگونه باشد، به تصمیمی برمی‌گردد که مدیران ذوب‌آهن باید برای فصول بعدی بگیرند و خط‌مشی تیم را مشخص کنند. کم‌گل خوردن و داشتن ساختاری قوی و ارائه بازی‌هایی محکم و فیزیکی و مفت‌باز نبودن خوب است و از الزام‌های شرکت در یک لیگ حرفه‌ای به حساب می‌آید اما مادامی که رویکردهای تهاجمی مؤثر و روندهای گلزنی مکرر و مبتنی بر شهادت نداشته باشید، به بیلاتی از موفقیت نمی‌رسید که برای ایقایی یک سرمربی در تیمش به آن نیاز است. تارتار و روش‌های انتخابی‌اش اصلاً به این بیان نرسیده‌اند و بنابراین با سران این باشگاه است که تعیین تکلیف کنند. آنها باید بگویند به همین حدود راضی‌اند و یا برای رسیدن به موفقیتی واقعی و سیمایی مدرن‌تر و زیباتر کادر فنی تازه‌ای را برگزینند که برخلاف کادر فنی کنونی شجاعت داشته باشد، به فوتبال رو به جلو روی بیاورد، سریع و مؤثر حمله کند و وجد و هیجان را جانشین خمودگی و کسالتی کند که در دو سال اخیر بر ذوب‌آهن حکم رانده است.

هواداران دلسرانه، ناظران نامید
آن افتخارات در زمانی رقم خورد که ذوب‌آهن بر خلاف دو سال سپری شده از ترس شکست خوردن در لاک تدافعی نمی‌خیزد و رو به جلو بازی می‌کرد و تهاجمی و شجاع بود و به سکونشینان امید و عنصر زیبایی را هدیه می‌کرد. حال آنکه ذوب‌آهن در دوره دو ساله زمامداری تارتار در اکثر روزها فقط خمیازه را بر چهره‌ها نشانده و با اینکه محکم و پرتلاش عمل کرده و مظهر دوندگی و سرسختی بوده اما با فوتبال غیرپویای خود و با در پیش گرفتن دانه که فقط برای فراری دادن بینندگان کفایت کرده و از اعتبار باشگاه قدیمی ذوب‌آهن کاسته و هواداران را دلسرد و ناظران بی‌طرف را هم ناامید کرده است. بواقع همه این قشرها به این باور واحد و بشدت مأیوس‌کننده رسیده‌اند که اگر طالب بازی‌های زیبا و پرگل و دیدنی هستید، به تماشای دیدارهای ذوب‌آهن نروید، زیرا مشخصه‌های آنان دقیقاً در جهت خلاف آن است.

اگر خمودگی و کسالت را نمی‌خواهید
اینکه ذوب‌آهن در دو فصل سپری

ترک کنند و به دیدن بازی‌هایی بروند که متهورانه‌تر و دارای عناصر شهادت و ماجراجویی باشد. تارتار دو فصل پیش هم توسط شاگردانش بازی‌هایی همین‌قدر فاقد جسارت و مبتنی بر استحکام و برخوردی فیزیکی و عاری از طراوت‌های فنی و بی‌بهره از رویکردهای ناب تهاجمی را به مرحله اجرا گذاشته بود و اجرای مجدد و کسالت‌آور همان سناریو در لیگ بیست و دوم باید سران ذوب‌آهن را به این باور رسانده باشد که با این مربی تلاشگر و برنامه‌دار ولی فاقد جسارت‌های تهاجمی و بی‌بهره از عطش گلزنی به جای خاصی نمی‌رسند و نه به جام و عنوان و سهمیه‌ای می‌رسند و نه خیل هواداران خود را راضی می‌کنند. طرفدارانی که همین حالا هم معترف‌اند ذوبی‌ها با چنین سیستم‌های کم‌رنجی در امور تهاجمی هرگز به یک تیم مدعی و موفق در کسب عناوین کشوری تبدیل نمی‌شوند. حال آنکه در گذشته نزدیک و دوران منصور ابراهیم‌زاده و بخصوص یحیی گل محمدی چشم‌نوازتر بازی می‌کردند و گل محمدی در نیمه دوم دهه ۱۳۹۰ آنها را دو بار قهرمان جام حذفی و یک مرتبه هم فاتح سوپر جام فوتبال کشور کرد.

در فصل ۱۴۰۲-۱۴۰۱ لیگ برتر فوتبال کشور فقط هفت تا را ببرند و در ۱۵ بازی یعنی نیمی از مسابقات خود به نتیجه‌ای تساوی قناعت ورزند. شاید تارتار به این راضی و معتقد باشد که ثبت تنها ۸ شکست برای تیم نه چندان پرهمره او نوعی پیروزی و به مثابه صدور کارنامه قبولی برای سفید و سبزه‌های اصفهانی است، اما هم آماری که برشمرديم و هم روحیه و طابع و مؤلفه‌های بازی ذوب‌آهن و نوع نگاهش به دیدارهای لیگ سبب می‌شود لقب «سلاطین انفعال» برای آنها با مسامرتین عنوان باشد.

هرچه زودتر از استادیوم بروید
البته آومینیوم اراک در زمینه ارائه بازی‌های تدافعی و احتیاطی و منفعلانه از ذوب‌آهن هم پیش افتاد و رسیدن این تیم متعلق به استان مرکزی به ۱۶ تساوی سندن روشن آن بود اما تا آنجا که به تارتار و اتفاقات فولادشهر مربوط می‌شود، شاگردان این مربی آنقدر دست به عصا بازی و با احتیاط عمل کردند که بینندگان برای تحمل تمام ۹۰ و اندی دقیقه مسابقات آنها دچار رنج و کسالت روحی می‌شدند و شاید پس از گذشت یک نیمه و حتی ۳۰ دقیقه ترجیح می‌دادند استادیوم را

وصال روحانی

روزنامه نگار

از زبان برخی مدیران ذوب‌آهن نقل شده که گزینه اصلی سرمربیگری این تیم اصفهانی در لیگ بیست و سوم نیز که از اواسط مردادماه آغاز می‌شود، همچنان مهدی تارتار است اما شاید استدلال‌های ذوب‌آهن در راه چنین گزینه‌ای آنقدرها هم قوی نباشد که خود آنها تصور می‌کنند. ذوب‌آهن در لیگ بیست و دوم که روز ۲۸ اردیبهشت تمام شد، به رتبه نهم رسید و از خطر سقوط به دسته‌ای پایین‌تر به کلی دور بود و هیچ مسابقه‌ای را با اختلاف زیاد نباخت و در تمامی بازی‌هایش آبروداری کرد اما این فقط یک وجه قضیه و دربردارنده نیمه پر لیوان بود. وجه مهم‌تر و تأثیرگذارتر ماجرا، نمایش‌های بیش از حد محتاطانه و کم‌شتاب و فاقد هیجان ذوبی‌ها بود که به‌وضوح راضی بودند هر مسابقه‌ای را فقط با کمترین ضایعات پشت‌سر بگذارند و تک‌امتیازی بگیرند و سپس برای دیدار بعدی مهیا شوند. چنین سیاست فاقد شجاعتی سبب شد مردان مهدی تارتار تا ۳۰ مسابقه خود

مصاحبه

مدافع مس:

سقوط کردیم چون لیگ برتری بسته نشده بودیم

سامان تورانیان مدافع تیم فوتبال مس کرمان ارزیابی‌اش از عملکرد خود در فصل بیست و دوم لیگ برتر را این‌طور بیان می‌کند: «از نظر فردی فصل خوبی داشتم و توانستم توانایی‌ام را در لیگ برتر نشان بدهم. در طول فصل هم به تیم ملی امید دعوت شدم و در دوره کی‌روش در لیست جوانانی قرار گرفتم که با بازیکنان اصلی در اردوی آماده‌سازی پیش از جام جهانی بودند. تیم از ابتدای فصل

لیگ برتری بسته نشد و یکسری اتفاقات برای آن افتاد، اما قصد ندارم درباره این مسائل صحبتی کنم و بهتر است سکوت کنم.» او درباره وضعیت قراردادش با نرنجی پوشان این‌طور می‌گوید: «قرارداد همکاری‌ام با مس کرمان سه ساله بود که یک سال آن گذشت. برای دو سال آینده، باید با مدیران باشگاه صحبت کنم، چرا که تمایل دارم در لیگ برتر به میدان بروم و استعدادم را در

بالاترین سطح فوتبال ایران نشان بدهم. هنوز با مدیران باشگاه صحبتی نکردم و طبیعتاً چون تحت قرارداد هستم آنها تصمیم‌گیرنده هستند. با این حال برای پیشرفت فوتبالم و ادامه حضورم در سطح ملی، نیازمند ادامه حضورم در لیگ برتر هستم.» بازیکن تیم فوتبال مس کرمان پیش از این سابقه دعوت به تیم امید را داشته در پاسخ به این پرسش که چرا تیم امید تا به این‌جا در راهیابی

به المپیک ناکام مانده، می‌گوید: «در دوره مهدی مهدوی‌کیا بعضی باشگاه‌ها بازیکنان خود را در اختیار تیم امید قرار نمی‌دادند و به اصطلاح اذیت می‌کردند. حتی اگر بازیکن در ترکیب اصلی تیم‌شان جایی نداشت فقط در فیکادی این اجازه را می‌دادند. مشکل خروجی بازیکن هم می‌تواند تأثیرگذار باشد. کارشناسان درباره این موضوع بهتر می‌توانند نظر بدهند، ولی به نظر خودم نگاه



علیرضا منصوریان

دو پیشنهاد لیگ برتری

علیرضا منصوریان از هفته بیست و یکم مسابقات لیگ برتر فوتبال در فصل گذشته جانشین جواد نکونام در فولاد خوزستان شد و در ده هفته پایانی مسابقات ۴ برد، ۴ مساوی و ۲ شکست همراه فولادی‌ها کسب کرد. فولاد در انتهای لیگ در رتبه هفتم جدول قرار گرفت. به تازگی از سوی دو باشگاه لیگ برتری هوادار و نساجی دو پیشنهاد همکاری برای فصل آینده به دست منصوریان رسیده است.



ناظم الشریعه

پیروزی بزرگ

تیم ملی کویت با سرمربیگری محمد ناظم الشریعه توانست در دیداری دوستانه مقابل صربستان به برتری دست یابد. این بازی با نتیجه ۴ بر ۲ به سود کویتی‌ها به پایان رسید. ناظم الشریعه سرمربی سابق تیم ملی که چند ماه است سکان هدایت تیم ملی کویت را با کادر ایرانی در دست گرفته، توانسته با تغییرات لازم این تیم را حدوداً ۶۰ درصد جوان کند. این تیم در حال حاضر در کمپ تیم‌های شهر ساریو حضور دارد.



مس رفسنجان

بالاترین تیمکت

مس رفسنجان از جمله تیم‌های شهرستانی بود که با هدایت محمد ربیعی در لیگ برتر خیلی خوب کار کرد و به نوعی گریه سیاه تیم‌های بزرگ هم محسوب می‌شد. مس رفسنجان در فصل بیست و دوم توانست با کسب چهل و هشت امتیاز در مکان پنجم جدول قرار بگیرد و از این لحاظ رتبه خوبی کسب کرد. اما سرمربی این تیم (محمد ربیعی) قصد ندارد برای فصل بعد در این تیم حضور داشته باشد، هر چند گزینه جانشینی او هنوز مشخص نیست.